مجله تحقيقات اقتصادی / شماره ۷۳ / خرداد و تير ۱۳۸۵ / صفحات ۱۳۲-۱۰۷

كاركرد اقتصاد بازار در حل بيكاري ايران

محمود متوسلي*

نظر دهمرده**

تاريخ دريافت: ۸۴/۷/۴ تاريخ پذيرش: ۸۴/۱۲/۱۷

چكيده

انفجار جمعيت ناشي از متولدين سال‌هاي ٦٢-١٣٥٨ و بروز و ظهور آن تحت عنوان عرضه نيروي كار در طي سال‌هاي ٨٣-١٣٦٨ سبب شد تا ميزان عرضه نيروي كار از فرصت‌هاي شغلي به‌نحو چشمگيري پيشي گرفته و معضل بيكاري، بويژه در ميان

اقشار تحصيل‌كرده و دانشگاهي با شتاب بالا گسترش يابد و سبب اتلاف منابع عظيم انساني و رنج و فقر تعداد كثيري از جمعيت كشور شود.

در اين مقاله تلاش بر اين است تا اثربخشي سياست‌ها و برنامه‌هاي كلان اقتصادي برگرفته شده از انديشه‌هاي اقتصاد بازار بر معضل بيكاري در ايران مورد بررسي قرار گيرد زيرا بين تأكيدات نگرش اقتصاد بازار و سياست‌هاي مورد نظر برنامه‌هاي اول، دوم، سوم و چهارم توسعه هم‌سويي مشاهده مي‌شود.

نتيجه‌اي كه از بررسي تطبيقي انديشه اقتصاد بازار با اهداف و سياست‌هاي پيش‌بيني شده در برنامه‌هاي توسعه ايران و بويژه برنامه سوم به‌دست آمد اين بود كه اهداف و ايده كلي حاكم بر بازار كار ايران، بر مبناي اقتصاد بازار طراحي شده، اما سياست‌هاي اعمال شده در قالب مواد قانوني و تبصره‌هاي مربوط به‌اشتغال در برنامه‌هاي توسعه ايران به‌نقش و دخالت دولت براي ايجاد اشتغال تأكيد دارد كه اين امر، به‌عدم‌تعادل بازار كار منجر مي‌شود(مواد قانوني ٤٨ تا ٥٦ برنامه سوم توسعه).

از طرف ديگر كاركرد تجربي مدل نئوكلاسيك كه از مدل‌هاي اساسي اقتصاد بازار است و شامل فرم خلاصه شده يك سيستم معادلات هم‌زمان در قالب الگوي خودتوضيح‌برداري VAR نامقيد است، نشان داد كه ضرايب متغيرهاي اثرگذار بر بازار كار ايران در عين معني‌دار بودن اثربخشي اندكي در حل بيكاري داشته‌اند.

طبقه‌بندي **JEL**: J64.

كليد واژه: بازار كار ايران، اقتصاد بازار، تكنيك‌هاي هم‌انباشتگي، توابع عكس‌العمل آني، تجزيه واريانس.

---

* استاد دانشكده اقتصاد، دانشگاه تهران.

** استاديار دانشكده اقتصاد، دانشگاه سيستان و بلوچستان.

۱- مقدمه

یکي از مهم‌ترین چالش‌هاي کنـوني اقتـصاد ایـران بـا دامنـه توزیـع فراگیـر و گستره جغرافیایي وسیع، بیکاري است. اقتصاد ایران در نتیجه افزایش بـي‌رویـه و شتابان نرخ رشد جمعیت در سال‌هاي اولیه انقلاب با معـضل ایجـاد فرصـت‌هـاي جدید شغلي در مقیاس بالا به‌منظور پاسخگوئي به‌خیل جواناني که همه ساله وارد بازار کار مي‌شوند، مواجه است.

در حالي‌که اهداف اشتغال در سند برنامه سـوم توسـعه مبتنـي بـر ایجـاد ۳/۸ میلیون فرصت شغلي جدید (متوسط سالیانه ۷۶۰ هـزار نفـر) تعیـین شـده بـود، گزارش عملکرد برنامه سوم نشان‌دهنده ایجاد متوسط سالانه۵۷۰ هزار نفر فرصت شغلي جدید است و در مجموع یك میلیون نفر (قریـب بـه۳۰ درصـد) از اهـداف برنامه صورت تحقق به‌خود نگرفته است. با احتـساب ذخیـره بیکـاري حـدود ۲/۲ میلیون نفري اولیه[1]، در مقطع پایاني یعني ابتداي برنامه حـدود ۳/۲ میلیـون نفـر جویاي کار در اقتصاد ایران وجود داشته است. با ملحوظ داشـتن افـزایش سـالیانه ۷۰۰ هزار نفر به عرضه نیروي کار در برنامـه چهـارم، در سـال ۱۳۸۸ حـدود ۶/۷ میلیون فرصت شغلي جدید لازم است؛ یعني باید به‌طور متوسط سالیانه براي ۱/۳ میلیون نفر شغل ایجاد شود. ناگفته پیداست این امر با توجه بـه‌رونـد گذشـته نـه تنها عملي نیست، بلکه با ظرفیت‌هاي موجود اقتصاد ایران نیز هم‌خواني نـدارد. در این صورت مهار بیکاري طـي سـالیان آتـي کماکـان یکـي از حـادترین معـضلات اقتصادي کشورخواهد بود. از این منظر بیکاري در ایران یك مسأله[2] تلقي مي‌شود و لذا موضوع این تحقیق قرار گرفته است.

پس از طرح مسأله، بهتر است به راهبردهاي و سیاست‌هاي به‌کار گرفته شـده براي تخفیـف ابعـاد موضـوع پرداخـت. مـروري بـر جهـت‌گیـري‌هـاي حـاکم بـر سیاستگذاران اقتصاد کلان کشور موید وجود نوعي چرخش یا عدول از نگرش‌هاي قبلي است؛ در شرایطي که دهه نخست پس از پیروزي انقلاب اسـلامي بـه‌تثبیـت

۱- مستندات قانون برنامه سوم.

2- problem.

نظام توأم با سیاست‌هاي تثبیتي و حاکمیت دولتي گذشت، وجه مشخصه دوره بازسازي و پس از آن بنا به‌اقتضاي شرایط داخلي و جهاني، رویکرد تعدیل اقتصادي و بازگشت به‌اصول فکري اقتصاد بازاربود. تفکر اقتصاد مرسوم در برنامه‌هاي پنج ساله توسعه اقتصادي کشور بویژه در بحث تولید و اشتغال حاکم شد. بر این مبنا و با نگاه به‌اقتصاد از جانب عرضه، اصلاح ساختار و شرایط حاکم بر تولید و شکل‌گیري سرمایه‌هاي مولد به‌منظور کاهش بیکاري ضروري تلقي مي‌شود. در این تفکر، افزایش نرخ اشتغال در اثر شرایط گوناگون و منجمله رشد جمعیت، نیازمند سرمایه‌گذاري جدید و به‌عبارت دیگر افزایش نرخ پس‌انداز بوده و تغییر موجودي سرمایه و کارایي آن از عوامل مؤثر بر حل بیکاري است. واقعیات الگووار[1] نیز نشان مي‌دهند که با افزایش نسبت سرمایه‌گذاري به‌تولید ناخالص داخلي، نرخ بیکاري کاهش مي‌یابد[2]. در این راستا تحقیق حاضر فرض کرده که:

«کارکرد اقتصاد بازار در مورد بیکاري ایران معطوف به‌حل مسأله نیست.»

به‌منظور بررسي و آزمون فرضیه مذکور، این مقاله در فصول زیر سازماندهي شده است: مروري بر دیدگاه‌هاي اقتصادي مختلف در مورد بیکاري، استخراج نتایج حاصل از به‌کارگیري این تئوریها در اقتصاد ایران از طریق انطباق مواد قانوني برنامه‌هاي اول تا سوم توسعه، مقایسه آماري نرخ بیکاري در دوران اصلاح ساختار اقتصادي و آزمون فرضیه با پرداختن به‌اثر متغیرهاي مورد توجه در اقتصاد مرسوم مانند نرخ تورم، سرمایه‌گذاري، نرخ سود و GDP بر روي بیکاري.

۲- روش تحقیق

کلیه آمارها و داده‌هاي مورد نیاز این مطالعه از منابع معتبر نظیر ILO، بانك جهاني، مرکز آمار ایران و اسناد برنامه‌هاي توسعه کشور استخراج شده و فاصله ۱۳۸۳-۱۳۵۸ را در برمي گیرد. بنا به‌ماهیت داده‌ها و به‌منظور احتساب خودکار شکست آمارها، دوره مذکور به‌دو بازه پیش از اصلاح ساختار اقتصادي

1- stylized facts.
2- Kruger, 1997.

(۱۳۶۸-۱۳۵۸) و پس از آن (۱۳۸۳-۱۳۶۸) تقسیم شد. اصول کلیدي حـاکم بـر مکاتب اقتصادي در خصوص بیکاري، در قالب جدول مقایسه‌اي ارائه شده و بـراي معرفي الگو و آزمون فرضیه، از تکنیك‌هاي معادلات هم‌زمان و روش‌هـاي مرسـوم اقتصادسنجي استفاده شده است.

همانند بسیاري از تحقیقات دیگر، ایـن تحقیـق نیـز بـا مـشکل تهیـه ارقـام و اطلاعات آماري با تواتر بالا روبرو بود. بسیاري از ارقـام مـورد نیـاز محققـان بـراي تحلیل کامل موضوع نظیر اطلاعات مربوط به‌نرخ فرصت‌هاي خـالي شـغلي[۱]، نـرخ تناسب شغل با مهارت[۲]، زمان از دست رفته در بخـش‌هـاي شـغلي کـشور[۳]، نـرخ چرخش شغلي[٤]، دستمزد و غیره در آمارنامه‌ها و بانك‌هاي اطلاعاتي کشور وجـود ندارد. در اختیار نبودن داده‌هاي فصلي متغیرهـاي کـلان اقتـصادي کـشور[٥] یکـي دیگر از محدودیت‌هاي فراروي محققان بود و لذا تلاش شد با استفاده از روش‌هاي پیشرفته ریاضي (مانند درون‌یابي) آمار سري زماني متغیرهاي کلان اقتصاد ایـران به‌صورت فصلي تولید شود.

۳- پیشینه تحقیق

متون اقتصادي با مسأله بیکاري در کشورهـاي در حـال توسـعه، بـه‌دو طریـق برخورد کرده‌اند: نخست طراحي الگوهـاي مرسـوم و متـداول[٦] و دوم تحلیـل‌هـاي تجربي[۷].

در تحلیل‌هاي تجربي نیز حسب آن‌که نقطه نظر محقق بر چـه موضـوعات یـا متغیرهایي مستقر شود، تجزیه و تحلیل در قالب الگـوهـاي فکـري مختلـف ارائـه مي‌شود. در این مقاله، ترکیبي از الگوهاي مرسوم (بویژه نـوع سـوم آن) همـراه بـا

1- vacancy rate.
2- matching rate .
3- wasting time rate.
4- job turnover
۵- اخیراً نتایج محاسبات بانك مرکزي از داده‌هاي فصلي برخي از متغیرهاي کلان اقتصادي که به روش درون‌یابي بازتولید شده، انتشار یافته است.
6- formal models.
7- empirical analysis.

تحليل‌هاي تجربي اقتصاد مرسوم به‌كار گرفته شده است. نحوه نگرش اين مقاله با شيوه‌هاي مورد استفاده ساير محققان در تحليل پديده بيكاري در ايران تفاوت‌هاي اساسي دارد.

برخي از محققان به‌بررسي اشتغال در كل كشور و يا بخش‌هاي اقتصادي، به‌كمك رابطه تك معادل‌هاي و با هدف بيان رابطه چند متغير توضيحي با متغير وابسته اشتغال يا تقاضاي نيروي‌كار صورت داده‌اند. در اين راستا مي‌توان به‌مقاله رحيم دباغ (۱۳۸۱) تحت عنوان«بررسي سياست‌هاي اشتغال‌زايي كشورهاي مختلف و ايران و چالش‌هاي پيش‌روي كشور در برنامه توسعه چهارم»، مقاله نعمت فليحي (۱۳۷۹) تحت عنوان «برآوردهاي الگوهاي عرضه و تقاضاي نيروي كار در مناطق روستايي و بررسي ميزان انعطاف‌پذيري بازار كار روستايي و شهري»، مقاله ليلي متقي (۱۳۷۷) ذيل عنوان «تحليل و برآورد تقاضاي اشتغال در ايران در دامنه زماني ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۵ » و مقاله هادي قوامي (۱۳۸۲) تحت عنوان «بررسي تحولات ساختاري خوداشتغالي با استفاده از روش‌شناسي تجزيه طي سال‌هاي ۱۳۳۵- ۱۳۷۵» اشاره نمود. مقاله غلامرضا كشاورز حداد (۱۳۸۳) با عنوان «ارزيابي پتانسيل‌هاي اشتغال‌زايي بخش‌هاي مختلف اقتصاد ايران»، برخي از مطالعات مؤسسه كار و تأمين اجتماعي، رساله دكتراي زهرا كريمي(۱۳۷۹) تحت عنوان «نهادهاي بازار كار ايران»، رساله دكتراي سعيد عيسي‌زاده (۱۳۷۹) تحت عنوان «منابع تأثيرگذار بر اشتغال نيروي انساني در اقتصاد ايران»، طرح تحقيقاتي دكتر مرتضي چيني‌چيان در دانشگاه علامه طباطبايي با عنوان «درآمدي بر سياست‌هاي ضداشتغال» كه به‌بررسي ساختارهاي جمعيتي, آموزشي و قانوني در بيكاري ايران پرداخته است، نيز در همين زمره قرار مي‌گيرند.

اغلب اين مطالعات با مفروض قرار دادن ثبات ساير شرايط مؤثر بر بازار كار و طرح سناريوهايي، در قالب فروض مختلف به‌تخمين ميزان تقاضا براي نيروي كار بر اساس روش تك معادل‌هاي پرداخته‌اند. اين مطالعات هر چند به‌طور خاص بر مقوله اشتغال متمركز بوده‌اند، ليكن مفروضات انعطاف‌پذير و قابل دفاعي نداشته

و به‌محض تغییر در شرایط ثابت فرض شده، از میزان دقت و قابلیت اعتماد نتـایج حاصله کاسته مي‌شود. برخي از مطالعات فوق براي رفع مشکل، عوامل سـاختاري و نهادي را در کنار سایر متغیرها وارد بحث نموده‌اند.

گروهي دیگر از مطالعات با استفاده از الگوهاي اقتصادسنجي کـلان بـراي کـل کشور، اشتغال را در کنار دیگر روابط موجود میان متغیرهاي اقتصادي قرار داده و به‌تجزیه‌و تحلیل عمومي پرداخته‌اند. در نتیجه، روابط ارائه شده در بخش اشـتغال این الگوها چندان تفصیلي نیست. الگوهاي سنجي برنامه‌هاي دوم و سـوم توسـعه به‌خوبي بیانگر این مطلب است.

٤- مروري بر دیدگاه‌هاي مکاتب اقتصاد کلان در حوزه بیکاري

از آنجا که هدف اصلي مقاله بررسي عملکرد توصیه‌هاي سیاسـتي و راهبـردي اقتصاد بازار در حل معضل بیکاري ایران است، مي‌بایـد درجـه انطبـاق اصـلاحات ساختاري صورت گرفته در اقتصاد ایران با مباني اندیشه اقتصاد بازار مورد سنجش قرار گیرد. نتایج این مقایسه تطبیقي در جدول ۱ به‌اختصار ارائه شده است.

٥- مقایسه تطبیقي دیدگاه‌هاي مکاتب کلان اقتصاد با برنامه‌هاي توسعه ایران

همان‌طور که در مقدمه ذکر شد، از بررسي کلي ویژگـي‌هـاي عمـومي فراینـد تعدیل ساختار اقتصادي ایران چنین بر مي‌آیـد کـه رویـه‌هـاي حـاکم مبتنـي بـر خاستگاه اقتصاد بازار بوده و از آنجا که جنبه‌عیني و کارکردي ایـن اندیـشه‌هـا در برنامه‌هاي توسعه ایران دیده شـده اسـت، لـذا محققـان بـه‌بررسـي مـواد قـانوني برنامه‌هاي توسعه ایران در زمینه اشتغال و بیکاري پرداخته‌اند. جدول ۲ خلاصه‌اي از برداشت‌ها و استنباط‌هاي حاصل از بررسي تطبیقـي روح کلـي قـوانین، مـواد و تبصره‌هاي مربوط به آزمون فرضیه خاص این مطالعه را ارائه مي‌دهد.

جدول ۱- جمع‌بندي اجمالي از نظريات مربوط به‌مكاتب اقتصاد كلان

نظريه مكتب	نظريات بنيادين	مفروضات	نظريات مربوط به‌بازار كار
كلاسيك و نئوكلاسيك	۱- آزادي شخصي ۲- مالكيت خصوصي ۳- حداقل دخالت دولت ٤- خنثي بودن پول ٥- قيمت ابزار تخصيص بهينه منابع. ٦- نگاه به‌اقتصاد از جانب عرضه	۱- رقابتي بودن بازار كار. ۲- انعطاف‌پذيري دستمزد و قيمت. ۳- انعطاف‌پذيري نرخ بهره. ٤- متغير بودن دستمزد اسمي. ٥- برون‌زا بودن سطح قيمت‌ها. ٦- ارادي بودن بيكاري. ۷- عدم‌توهم پولي در كارگران	۱- عدم‌دخالت دولت در وضع اشتغال كامل. ۲- بودن اقتصاد در تعادل همراه با اشتغال كامل. ۳- عدم‌بروز طولاني مدت بيكاري غيرارادي در بازار كار. ٥- موقتي بودن عدم‌تعادل در بازار كار. ٦- دستمزد واقعي علت بيكاري.
كينز	علاوه بر پذيرش موارد ۱, ۲ و ٥ نظريه نئوكلاسيك‌ها، موارد ذيل را مطرح مي‌نمايند: ۱- دخالت دولت ۲- عدم‌خنثي بودن پول. ۳- نگاه به‌اقتصاد از جانب تقاضا.	۱- انعطاف‌ناپذيري دستمزد پولي. ۲- چسبندگي قيمت و دستمزد. ۳- حاكم بودن توهم پولي. ٤- عدم‌تعادل در بازار كار و كالا در كوتاه‌مدت. ٥- وجود اشتغال ناقص و بيكاري غيرارادي.	۱- دخالت دولت در بازار كار. ۲- كمبود تقاضاي مؤثر به‌عنوان علت بيكاري. ۳- كاهش بيكاري با اجراي سياست‌هاي پولي، مالي مانند كاهش ماليات‌ها، افزايش عرضه پول، افزايش خريد كالاها و خدمات توسط دولت.
كلاسيك جديد	۱- تسويه هميشگي بازارها. ۲- انتظارات عقلايي مبناي تصميم‌گيري است. ۳- تبعيت عرضه كل از قيمت‌هاي نسبي. ٤- لزوم لحاظ نمودن پايه‌هاي اقتصاد خردي مباحث كلان. ٥- قيمت مبناي تخصيص بهينه منابع. ٦- عدم‌دخالت دولت. ۷- اطلاعات ناقص عامل وقوع ادوار تجاري.	۱- انسان بر مبناي انتظارات عقلايي تصميم‌گيري مي‌كند. ۲- بازارها هميشه تسويه مي‌شوند. ۳- واحدهاي اقتصادي بهينه‌يابي مي‌كنند. ٤- بازار كار بازار رقابت كامل است. ٥- اطلاعات كامل در بازار كار وجود دارد.	۱- بيكاري در اقتصاد در حد بيكاري طبيعي است.. ۲- بيكاري در بازار كار بيكاري ارادي است. ۳- تورم مورد انتظار تأثيري بر بيكاري ندارد(براساس اصل انتظارات عقلايي) ٤- تورم غيرانتظاري مي‌تواند بيكاري را به‌سطحي كمتر از نرخ بيكاري برساند. ٥- با اصلاح رفتار جستجوي شغل, بازار كار متعادل مي‌شود. ٦- بيكاري همان جستجوي شغل است لذا با رفع اطلاعات ناقص اين بيكاري ارادي نيز رفع مي‌شود.
كينز جديد	۱- تئوري‌هاي كلان بايد داراي پايه خرد باشند. ۲- قبول انتظارات عقلايي ۳- دليل چسبندگي اسمي قيمت Menu Costs است.	۱- انعطاف‌ناپذيري دستمزد پولي. ۲- ساختار بازار كار رقابت ناقص است. ۳- اطلاعات بازار كار ناقص است. ٤- چسبندگي قيمت و دستمزد بر اساس تئوري‌هاي مربوط به‌قرارداد.	۱- بيكاري عمدتاً بيكاري غيرارادي است. ۲- سياست پولي, مالي و درآمدي مناسب و محرك تقاضا مي‌تواند بيكاري را كاهش دهد. ۳- رابطه جانشيني بين تورم و بيكاري وجود دارد.
پول‌گرايان	۱- آزادي فعاليت‌هاي اقتصادي ۲- حاكميت بازار آزاد. ۳- دفاع بدون قيد و شرط از انگيزش‌هاي سود. ٤- عدم‌مداخله دخالت. ٥- حاكميت مطلق پول.	منحني عرضه كل شيب مثبت دارد.	۱- ارائه تعريف بيكاري اصطكاكي ۲- شوك‌هاي كوتاه‌مدت منجر به‌بيكاري مي‌شود ولي در بلندمدت رفع مي‌شود. ۳- رابطه جانشيني دائم بين تورم و بيكاري وجود ندارد. ٤- تورم انتظاري نمي‌تواند بيكاري را كاهش دهد و فقط منجر به‌افزايش قيمت‌ها مي‌شود.

جدول ۲- بررسي تطبيقي ديدگاه‌هاي مكاتب اقتصادي در بازار كار برنامه‌هاي توسعه ايران

برنامه	اهداف كلي برنامه	سياست‌هاي بازار كار	وجه غالب رويكرد مكتبي بازار كار
برنامه اول	۱ـ تجديدنظر در نرخ ارز ۲ـ سرمايه‌گذاري و رشد اقتصادي ۳ـ خصوصي‌سازي ٤ـ كاهش تصدي دولت ۵ـ تعديل قيمت كالاها و خدمات و نرخ ارز ٦ـ ايجاد شرايط رقابتي بازار كالا و خدمات ۷ـ حذف تدريجي يارانه‌ها ۸ـ آزادسازي	۱ـ كاهش محدوديت‌هاي بازار كار ۲ـ تعديل ضوابط و مقرراتي كه باعث انقباض بازار كار شده است(قانون برنامه اول, ص ٦۰).	اصلاح ساختار (نهادگرايي)
برنامه دوم	۱ـ رفع عدم‌تعادل‌هاي تاريخي و پرسابقه مانند عدم‌تعادل در منابع و مصارف بودجه عدم‌تعادل در سرمايه‌گذاري و پس‌انداز و عدم‌تعادل در تجارت خارجي ۲ـ منطقي شدن قيمت كالا، منابع سرمايه‌ي و نيروي انساني ۳ـ كاهش اندازه دولت ۴ـ دنبال نمودن سياست تثبيت اقتصادي (رسيدن به‌تعادل در بازارهاي چهارگانه) ۵ـ دنبال نمودن تعديل اقتصادي (خصوصي‌سازي، آزادسازي، كاهش تصدي دولت و كاهش محدوديت‌هاي بازار)	۱ـ تهيه لوايح اصلاحيه قانون كار(تبصره ٤۸ لايحه برنامه دوم). ۲ـ اصلاح بخش‌هايي از قانون كار (پيوست برنامه دوم پيشنهادي فصل ۲، ص ۵). ۳ـ جز اشارات كلي به‌اهميت اشتغال در جهت كاهش محروميت مناطق محروم و تحقق عدالت اجتمائي سياست خاصي در جهت تحصيل دسترسي بيكاران به‌اطلاعات بازار كار و فرصت‌هاي شغلي بلانصدي اتخاذ نشده است و اصلاح ساز و كار جستجوي شغل اساساً موضوعي نيست كه به‌آن توجه شده باشد.	اصلاح ساختار
برنامه سوم	۱ـ تنظيم انحصارات و رقابتي كردن فعاليت‌هاي اقتصادي ۲ـ سازماندهي شركت‌هاي دولتي ۳ـ گسترش توليد و سرمايه‌گذاري ۴ـ ساماندهي بازارهاي مالي ۵ـ آمايش سرزمين ۶ـ نظام تأمين و رفاه اجتماعي ۷ـ هدفمند نمودن يارانه ۸ـ توجه به‌اشتغال و صادرات غيرنفتي و ... ۹ـ كاهش نرخ تورم با استفاده از ابزارهاي پولي ۱۰ـ برقراري امنيت سرمايه‌گذاري ۱۱ـ تنظيم بدهي‌هاي خارجي و تنظيم آن	۱ـ تجديدنظر اساسي در قوانين و مقررات ناظر بر بازار كار (سند برنامه سوم،ص ۱۳۳-۱۳۲). ۲ـ آموزش و بازآموزي نيروي انساني در سطوح گوناگون. ۳ـ محدود كردن ورود كاركنان خارجي و تسهيل خروج نيروي كار و متخصص ٤ـ اصلاح ابعاد و ساختار شاغلان بخش دولتي و كاهش آن ۵ـ تأمين امنيت شغلي ٦ـ تعيين مزد براساس نرخ تورم و ارتباط بين مزد و بهره‌وري ۷ـ تقويت‌ساز و كار جستجوي شغل از طريق حمايت از مراكز خدمات اشتغال و توجه به‌ايجاد شبكه اطلاع‌رساني بازار كار و مراكز مشاوره شغلي و كاريابي غيردولتي ۸ـ توجه به‌آموزش‌هاي فني و حرفه‌اي ۹ـ انجام انواع حمايت‌هاي مالي و مالياتي عمومي از سرمايه‌گذاران در طرح‌هاي اشتغال‌زا به‌جاي ايجاد شغل به‌طور مستقيم از طريق مذاكره با كارفرمايان و ارائه مستقيم براي حل بيكاري ۱۰ـ تأكيد بر ايجاد اشتغال در صنايع كوچك, تبديلي و روستايي و نظاير آن. ۱۱ـ حمايت از طرح‌هاي كارافريني و خوداشتغالي ۱۲ـ گسترش طرح‌هاي كشاورزي و دامپروري و ساختمان‌سازي و طرح‌هاي صنعتي جهت افزايش اشتغال	به‌تبعيت از اهداف كلي برنامه، اهداف بازار كار برنامه سوم نيز بر اصلاح ساختارها و تأكيد بر نهادگرايي بوده است و هر جا بحث حمايت از بازار كار براي رفع بيكاري غيرارادي بوده است مي‌توان به‌راهكارهاي مكتب كينز اشاره نمود، مثل مورد ۹
برنامه چهارم	۱ـ تمامي اهداف برنامه سوم با تأكيد بيشتر بر موارد ذيل: الف ـ كاهش تصدي‌هاي دولتي و واگذاري بخشي از وظايف دولت به‌بخش غيردولتي ب ـ ايجاد امنيت لازم براي سرمايه‌گذاري پ ـ هدفمند نمودن يارانه ۲- اجراي ماليات بر ارزش افزوده (VAT)	۱-دنبال كردن سياست‌هاي اشاره شده در برنامه سوم توسعه ۲- تدوين سند ملي توسعه بازار كار ۳-افزايش فرصت‌هاي شغلي به‌وسيله FDI ٤-بازنگري قوانين مربوط به‌بازار كار ۵-ايجاد فرصت‌هاي شغلي متناسب با قابليت هر منطقه از طرق توسعه شبكه‌هاي زيربنايي و زيرساختي ٦-حمايت اجتماعي از شاغلين ب۰۰ازار كار غيررسمي ۷- ايجاد فضاي رقابتي در استخدام‌هاي دولتي	نيوكينزيني و نهادگرايي

يكي از اهداف اين مقاله با توجه به‌فرضيه مطرح شده، جستجوي پاسخي براي اين سؤال بود كه آيا سياست‌هاي اعمال شده در برنامه‌هاي توسعه ايران، براساس انديشه اقتصاد بازار بوده و در صورتي كه جواب مثبت است، موفقيتي را به‌همراه داشته است يا خير؟

نگاهي به‌جدول شماره ۲ نشان مي‌دهد كه ذهنيت غايي برنامه‌ريزان مبتني بر رويكرد اقتصاد بازار بود؛ تأكيد بسيار بر كاهش اندازه دولت، خصوصي‌سازي، حذف تدريجي يارانه‌ها و نظاير آن موييد اين ادعاست. ليكن در مجموع عدم‌توجه كافي و بايسته به‌مقوله اشتغال يكي از نقاط ضعف اين برنامه‌ها بوده است. به‌اين معنا كه طي دو برنامه اول توجه چنداني به‌تحولات آتي كشور منجمله بحران بيكاري پيش‌بيني نشد و يا در صورت درك ابعاد مسأله، راهكار مقابله مؤثر و فوري براي آن انديشيده نشد.

برنامه سوم توسعه يكي از جامع‌ترين و علمي‌ترين بسته‌هاي برنامه‌اي طراحي شده تاكنون قلمداد مي‌شود. در اين برنامه به‌صورت جامع در چندين سند، اهداف، تنگناها، فرصت‌ها، تهديدها و امثالهم در هر بخش استخراج شده و براساس آن، اهداف كلان كشور تدوين شد. حتي در اين برنامه نيز نظرات غالب را تفكرات اقتصاد بازار تشكيل مي‌داد. علاوه بر تأكيد بر كاهش اندازه دولت و خصوصي‌سازي، مواردي از تفكرات كينزي (نيوكينزي) نيز در برخي بندها قابل مشاهده است. براي مثال هدفمند نمودن يارانه (به‌عنوان يك سياست مالي) وكاهش نرخ تورم با استفاده از ابزارهاي پولي نمونه‌اي از اهداف برنامه سوم توسعه است كه در قالب تفكرات كينزيني قرار مي‌گيرد. از بارزترين نشانه‌هاي ورود تفكر كينزي (نيوكينزي) در اين برنامه، ماده ٤٩ قانون برنامه است كه اشاره به‌انواع حمايت‌هاي مالي(مالياتي و يارانه مستقيم) براي حل بيكاري دارد. برنامه چهارم توسعه نيز با همان رويكرد و اهداف برنامه سوم تدوين شد؛ يعني رويكرد و روح كلي برنامه مبتني بر نظريه‌هاي اقتصاد بازار است. با تحليل در مواد قانوني بازار كار برنامه سوم توسعه ايران (مواد ٤٨ تا ٥٦) مي‌توان نتيجه گرفت كه دولت نقش اصلي را در رفع بيكاري ايران و در تنظيم سياست بازار كار به‌عهده دارد.

حال با استناد به‌مباحث فوق مي‌توان به‌سؤالات مطرح شده در ابتداي اين بخش پاسخ داد. بر اساس جدول شماره ۲ مي‌توان ادعا كردكه به‌طور كلي روح حاكم بر قوانين برنامه‌هاي تدوين شده در ايران بر مبناي رويكرد اقتصاد بازار بوده است. به‌عبارت ديگر اهداف كلان كشور بر مبناي تفكرات اقتصاد بازار تدوين شده، در حالي كه اهداف بخشي و سياست‌هاي اعمال شده در آن (مانند بازار نيروي كار) بر مبناي تفكرات اقتصاد متمركز و دخالت دولت شكل گرفته است.

در نهايت مي‌توان نتيجه گرفت كه سياست‌هاي پيشنهادي و تئوري‌هاي مطرح شده توسط سياست اصلاح ساختار اقتصادي بر مبناي تفكر اقتصاد بازار در بخش بازار كار ايران استفاده نشده است و نمي‌توان صحت و سقم آزمون فرضيه را مورد بررسي قرار داد و نتيجه گرفت كه آيا اين تئوري معطوف به‌حل بيكاري ايران شده است يا خيرلذا در جدول شماره ۳ شرايط عدول بازار كار ايران از اقتصاد بازار مشخص شده است.

جدول ۳- بررسي شرايط عدول از اقتصاد بازار در بازار كار ايران

مكتب	ديدگاه	سياست عدول از اقتصاد بازار، در بازار كار ايران	سياست‌هاي همسو با اقتصاد بازار، در بازار كار ايران
كلاسيك‌ها	اقتصاد بازار منجر به‌تعادل در بازار كار مي‌شود و نبايد دولت دخالت كند. طبق اين ديدگاه اقتصاد بازار همواره منجر به‌تسويه در بازارها مي‌شود و شكست بازار را قبول ندارد.	۱- حمايت‌هاي مالي و مالياتي از سرمايه‌گذران در طرح‌هاي اشتغال‌زا. ۲- محدود كردن ورود كاركنان خارجي. ۳- تعيين مزد بر اساس نرخ تورم و ارتباط با بهره‌وري. ٤- تأكيد بر ايجاد اشتغال در صنايع كوچك، تبديلي و روستايي ٥- حمايت از طرح‌هاي كارافريني و خوداشتغالي. ٦- حمايت از طرح‌هاي كشاورزي و صنعتي اشتغال‌زا.	۱- تقويت ساز و كار جستجوي شغل از طريق حمايت از مراكز خدمات اشتغال و توجه به‌ايجاد شبكه اطلاع‌رساني بازار كار و مراكز مشاوره شغلي و كاريابي غيردولتي.
كينزين‌ها	اقتصاد بازار نمي‌تواند منجر به‌تسويه بازار و رسيدن به‌تعادل در بازار كار شود. لذا دولت بايد در بازار كار دخالت نموده و اقداماتي در جهت رسيدن سريعتر به‌تعادل انجام دهد.	-	-

٦- مدل تجربي براي آزمون فرضيه

شناخت مجموعه عوامل اثرگذار بـر متغيـرهـاي بـازار كـار از جملـه اشـتغال، مستلزم طراحي يك الگوي پويـاي كامـل اسـت. بـه‌ايـن منظـور بـا يـك رويكـرد نئوكلاسيكي عوامل مؤثر بر نوسانات متغيرهاي كلان مؤثر بر بازار نيـروي كـار در اين بخش از مطالعه مورد بررسي قرار مي‌گيرد.مدل مورد برآورد شامل فرم تقليـل يافته يك سيستم معادلات هم‌زمان دربردارنده اثر متغيرهـاي متنـوع اثرگـذار بـر سطح اشتغال است كه با توجه به‌داده‌هـاي فـصلي سـال‌هـاي ۱۳۸۲-۱۳۵۰ و بـا استفاده از يك الگوي خود توضيح‌برداري VAR نامقيد مورد برآورد قرار مي‌گيـرد. لازم بذكر است كه داده‌هاي فصلي با استفاده از نرم‌افزار MATLAB توسـط تـابع Spline درون‌يابي شده است.

چارچوب تئوريك مدل مورد استفاده براساس مدل Sarati, Amisano(۱۹۹۹) است. مدل مورد نظر يك مدل ساختاري بر پايـه خـرد اسـت كـه از انديـشه‌هـاي Layard, Nickell و Jackman اقتباس شده و نوعاً يك اقتـصاد سـاده متـشكل از تعداد زيادي بنگاه حداكثركننده سود انتظاري را در نظر مي‌گيـرد كـه در همـين چارچوب اقدام به‌تعيين قيمت‌ها و سطح توليد مي‌كنند. علاوه بر ايـن دسـتمزدها در ساختار رقابت انحصاري تعيين شده و تابعي از هـر دو گـروه عوامـل درونـي و بيروني مانند شدت و مدت زمان منافع بيكاري اسـت. همچنـين عوامـل برونزايـي چون ماليات بر نيروي كار و فعاليـت‌هـاي اتحاديـه‌هـاي كـارگري نيـز بـر سـطح دستمزدها مؤثر مي‌باشند.

٦-١- تصريح الگو

معادلات مدل به‌شرح زير مي‌باشند:

$$y_t = \alpha n_t + (1-\alpha)k_t + \varepsilon_t \ , \quad \varepsilon_t = \frac{\eta_t^{\varepsilon}}{1-\rho_{\varepsilon}L} \ , \eta_t^{\varepsilon} \sim w.n(0,\sigma_{\varepsilon}) \qquad (۱)$$

$$y_t = \alpha x_t + \psi(m_t - p_t) + \theta_t, \quad \theta_t = \frac{\eta_t^{\theta}}{1-\rho_{\theta}L} \ , \eta_t^{\theta} \sim w.n(0,\sigma_{\theta}) \qquad (۲)$$

$$p_t = w_t + \beta(y_t - k_t) + \upsilon_t, \quad \upsilon_t = \frac{\eta_t^{\upsilon}}{1-\rho_{\upsilon}L}, \eta_t^{\upsilon} \sim w.n(0,\sigma_{\upsilon}), \beta = \frac{1-\alpha}{\alpha} \qquad (۳)$$

$$w_t = p_t^e + \alpha\beta k_t - \alpha\beta\lambda n_{t-1} - (1-\lambda)\alpha\beta l^e + kUB_t + \mu LT_t + \eta_t^{\omega}, \ \eta_t^{\omega} \sim w.n(0,\sigma_{\omega}) \qquad (۴)$$

$$l_t = \gamma n_{t-1} + \gamma l_{t-1} - \xi(w-p)_t^e - \xi LT_t + \varphi UB_t + \eta_t^{l}, \ \eta_t^{l} \sim w.n(0,\sigma_l) \qquad (۵)$$

$$u_t \equiv l_t - n_t \qquad (۶)$$

در روابط بالا α و λ پارامترهاي غيرمنفي كوچك‌تر از يك هستند. ($0<\alpha<1$, $0<\lambda<1$) و پارامترهاي $\gamma, k, u, \xi, \sigma, \psi$ انتظار مي‌رود كه غيرمنفي باشند.

L عملگر تفاضلي و انديس e اشاره به‌شرايط انتظاري يا مقدار مورد انتظار براساس اطلاعات يك دوره قبل دارد.

شرح معادلات فوق به‌صورت زير است:

معادله (۱) فرم لگاريتمي معادله تابع توليد با بازدهي ثابت نسبت به‌مقياس است.

معادله (۲) معادله تقاضاي كل به‌دست آمده از سيستم معادلات IS-LM است.

معادله (۳) معادله تعيين قيمت است.

معادله (٤) معادله تعيين دستمزد است. در اين معادله نرخ دستمزد واقعي انتظاري به‌صورت مجموع وزني از تركيب دو جزء $n_t^e = n_{t-1}$ و $n_t^e = l_{t-1}$ به‌دست مي‌آيد:

$$w_t - p_t^e = \lambda(w_t - p_t^e : n_t^e = n_{t-1}) + (1-\lambda)(w_t - p_t^e : n_t^e = l_t^e) \qquad (۷)$$

با جايگزيني منافع بيكاري و شاخص ماليات به‌معادله (٦) رابطه (۷) به‌دست مي‌آيد.[۱]

۱- از رابطه (۱) خواهيم داشت:

$$y_t = \alpha n_t + (1-\alpha)k_t \Rightarrow y_t = \alpha n_t + k_k - \alpha k_t \Rightarrow k_t - y_t = \alpha(k_t - n_t)$$

همچنين از رابطه (۲) خواهيم داشت:

$$y_t = \sigma x_t + \psi(w_t - p_t) \Rightarrow y_t = \sigma x_t + \psi w_t - \psi p_t \Rightarrow w_t - p_t = \frac{y_t - \sigma x_t}{\psi} = \beta(k_t - y_t)$$

با جايگذاري عبارت $w_t - p_t = \beta(k_t - y_t)$ در رابطه $k_t - y_t = a(k_t - n_t)$ خواهيم داشت:

$$k_t - y_t = a(k_t - n_t) \Rightarrow w_t - p_t = \alpha\beta(k_t - n_t)$$

مدل تصریح شده شامل ۷ متغیر به‌شرح ذیل است:

دستمزد(w_t)، میزان اشتغال(n_t)، میزان نیروي کـار(l_t)، موجـودي سـرمایه بخش خصوصي(k_t)، مالیات بر نیروي کـار(LT_t)، شـاخص سیاسـت پـولي(m_t)، شاخص سیاست مالي(x_t) و شاخص منافع بیکـاري(UB_t). در مـدل متغیـرهـاي دستمزد(w_t)، میزان اشتغال(n_t) و میزان بیکاري(u_t) به‌صـورت درونـزا در نظـر گرفته شده و سایر متغیرها برونزا خواهند بود. علاوه بر ایـن متغیـرهـاي مجـازي به‌منظور نشان دادن اثر تحولات و شوك‌هایي مانند انقلاب، شروع برنامه تعـدیل و شوك نفتي در مدل لحاظ شدند. با در نظر گرفتن تعداد وقفـه‌هـاي بهینـه بـراي مدل با استفاده از معیـار آکاییـك (AIC)شـکل گـسترش یافتـه مـدل بـرآوردي به‌صورت زیر خواهد بود:

$$\Delta y_t = B_1\Delta y_{t-1} + B_2\Delta y_{t-2} + \quad ... \quad + B_{p-1}\Delta y_{t-p-1} + \Pi_{t-p} + u_t \qquad (۸)$$

که در آن p تعداد وقفه بهینه انتخاب شده است.

۲-٦- برآورد الگو و تجزیه و تحلیل نتایج

به‌منظور برآورد ضرایب مربوط به‌الگوي بلندمدت و کوتاه‌مدت تحت بررسـي از نرم‌افزار Eviews 4.0 استفاده شده و نتایج در جدول شماره ٤ خلاصه شده اسـت. در مورد نتایج به‌دست آمده و کاربرد الگوي تصحیح خطا (VAR) به‌این نکته باید توجه کرد که در تخمین بـه‌ایـن روش و اساسـاً، در تخمـین دسـتگاه معـادلات و ضـرایب و در حـد توضـیح دهنـدگي پارامترهـا، ایـن الگـو اهمیـت روش‌هـاي تك‌معادل‌هاي را ندارد. بر این اساس از توابع عکـس‌العمـل ضـربه‌پاسـخ و تجزیـه واریانس براي تحلیل نتایج استفاده مي‌شـود. عـلاوه بـر ایـن در الگـوي بـرآوردي ضرایب α نشان‌دهنده سرعت تعدیل تعادل کوتاه‌مدت به‌تعادل بلندمدت است.

قبل از تحلیل نتایج بار دیگر به‌معرفي متغیـرهـاي الگـو بـه‌صـورت لگـاریتمي مي‌پردازیم. در ایـن مـدل LNEMP بـراي اشـتغال، LNLF تعـداد نیـروي کـار، LNAW شاخص دستمزد، LNTX مالیات بر حقوق و دسـتمزد، LNK موجـودي سرمایه بخـش خـصوصي، LNMR شـاخص وضـعیت پـولي، LNROX شـاخص وضـعیت سیاسـت مـالي و 57D، 68D و 77D متغیـرهـاي مجـازي بـه‌ترتیـب

نشان‌دهنده اثر شوك انقلاب، شروع برنامه تعديل اول و شوك نفتي سال ۷۷ است. شاخص منافع بيكاري(UB_t) به‌علت فقدان داده‌هاي آماري در ايران حذف شد.

در جدول شماره ٤ ضرايب الگوي بلندمدت براساس متغير اشتغال نرماليزه شده است. نتايج الگو دلالت بر قدرت توضيح‌دهندگي بالاي مدل دارد؛ به‌طوري‌كه حدود ۹۸ درصد ازتغييرات مدل توسط متغيرهاي توضيحي، بيان مي‌شود. وقفه‌هاي اول و دوم متغير اشتغال و تعداد نيروي كار و دستمزد روي اشتغال در الگوي تصحيح خطا لحاظ شده‌اند.

برآورد الگوي كوتاه‌مدت مورد نظر به‌صورت زير است:

D(LNEMP) = - 0.003701931052*(LNEMP(-1) - 2.548516309 * LNLF(-1) + 0.3703144634*LNAW(-1) + 24.45920612) + 1.408186624 * D(LNEMP(-1)) - 0.733902154 * D(LNEMP(-2)) - 0.1777897129 * D(LNLF(-1)) + 0.3247421925 * D(LNLF(-2)) + 0.04324613706 * D(LNAW(-1)) - 0.03725729146 * D(LNAW(-2)) + 0.01214721733 - 0.00109487901 * LNK - 0.00204227923 * LNMR + 0.0004873204911 * LNTX + 0.0006701057706 * LNROEXP - 8.730715938e-05*D57 + 0.0007472198566 * D68 - 6.065435778e-05 * D77

براساس نتايج به‌دست آمده در الگوي تصحيح خطا (جدول شماره ٤) ملاحظه مي‌شود كه ضريب تصحيح خطاي برآوردي در عين معني‌دار بودن، دلالت بر سرعت بسيار پايين تعديل تعادل كوتاه‌مدت به‌تعادل بلندمدت دارد. به‌طوري‌كه در هر دوره تنها حدود ۰/۰۳۷ درصد از خطاي عدم‌تعادل دوره قبل تصحيح مي‌شود. نتيجه به‌دست آمده دلالت بر اين امر دارد كه در صورت بروز هر گونه عدم‌تعادل در بازار نيروي كار مدت زمان بسيار طولاني لازم است تا عدم‌تعادل مورد نظر برطرف شود. بنابراين ساز و كارهاي موجود در بازار نيروي كار قادر نخواهد بود عدم‌تعادل اين بازار را بسرعت مرتفع كند.

اثر متغيرهاي برونزاي مدل در كوتاه‌مدت به‌صورت زير است:

۱- ضريب برآوردي براي متغير ماليات از نظر آماري معني‌دار بوده ولي اثر مثبت و ناچيزي بر تغييرات اشتغال دارد، به‌طوري‌كه تغيير يك واحدي ماليات نوسانات (تغييرات) ناچيزي در اشتغال تنها به‌اندازه ۰/۰۰۰۸٤ واحد پديد خواهد آورد.

۲- ضريب برآوردي براي متغير موجودي سرمايه بخش خصوصي از نظر آماري معني‌دار و داراي اثر منفي بر نوسانات اشتغال است؛ به‌طوري‌كه با يك واحد افزايش در سرمايه بخش خصوصي شاهد كاهشي به‌اندازه ۰/۰۰۱۰۹ ۵ واحد در نوسان اشتغال مي‌باشيم.

۳- ضريب برآوردي براي متغير شاخص سياست پولي نيز در عين معني‌داري داراي اثر مثبت و نسبتاً ناچيزي معادل ۰/۰۰۲۰٤۲ واحد بر نوسانات اشتغال است. ضريب به‌دست آمده دلالت بر اين امر دارد كه يك واحد تغيير در حجم پول به‌اندازه ۰/۰۰۰۲٤۲ واحد نوسانات اشتغال را تحت تأثير قرار مي‌دهد.

٤- ضريب برآوردي براي شاخص سياست مالي نيز موید اثر مثبت و ناچيزي معادل ۰/۰۰۰٦۷ بر نوسانات اشتغال است. نتايج دو قسمت اخير دلالت بر تأثير ناچيز سياست‌هاي پولي و مالي بر نوسانات اشتغال در كوتاه‌مدت دارد.

بالأخره از ميان متغيرهاي مجازي انقلاب، شوك نفتي و برنامه تعديل سال ۱۳٦۸ تنها متغير مجازي برنامه تعديل داراي اثر معني‌داري بر نوسانات اشتغال است؛ اين اثر مثبت و معادل ۰/۰۰۰۷٤ واحد است. اين نتيجه دلالت بر اين واقعيت دارد كه شروع برنامه‌هاي تعديل در سال ۱۳٦۸ در كوتاه‌مدت اثر چندان قابل توجهي بر سطح اشتغال نگذاشته است.

۳-٦- توابع عكس‌العمل آني(ضربه- پاسخ)

با توجه به‌اهميت و كاربرد الگوهاي تصحيح خطا در پيش‌بيني، تجزيه و تحليل رفتار توابع عكس‌العمل آني اهميت بسيار دارد. در توابع عكس‌العمل آني، اثر يك انحراف معيار تكانه متغير درونزا بر روي ساير متغيرهاي درونزاي الگو مورد بررسي

قرار مي‌گيرد.

جدول شماره ۵ نشان‌دهنده مقادير مربوط به‌تابع عكس‌العمل آني متغير اشتغال است. نتايج جدول نشان مي‌دهد يك تغيير ناگهاني يا تكانه به‌اندازه يك انحراف معيار در متغير اشتغال در دوره اول (فصل اول) اثر بسيار ناچيزي بروي اين متغير مي‌گذارد. اين اثر همچنان در فصول ديگر نيز ناچيز باقي مي‌ماند.

ستون دوم جدول، اثر تكانه وارد بر اشتغال از بابت متغير تعداد نيروي كار را نشان مي‌دهد. همان‌گونه كه از جدول ملاحظه مي‌شود، چنانچه رشد نرخ نيروي كار به‌اندازه يك انحراف معيار افزايش يابد، در فصل اول هيچ‌گونه اثري بر اشتغال نخواهد گذاشت. علاوه بر اين اثرات در دوره‌هاي بعدي نيز ناچيز خواهد بود.

ستون سوم جدول اثر تكانه وارد بر اشتغال را از طرف متغير دستمزد نشان مي‌دهد. براساس جدول چنانچه رشد دستمزد به‌اندازه يك انحراف معيار افزايش يابد، در فصل اول هيچ‌گونه اثري بر اشتغال نخواهد گذاشت. همچنين اين اثرات در فصول بعدي نيز بسيار ناچيز خواهد بود.

نمودار شماره ۱ اثر تكانه وارد بر الگو و پاسخ اشتغال به‌اين تكانه‌ها را تا بيست دوره نشان مي‌دهد. بر اساس نمودار اثر تكانه‌هاي وارد بر الگو به‌سرعت تعديل نمي‌شوند، به‌طوري‌كه اثر تكانه وارده از سوي اشتغال بر خود اين متغيرها تا دوره پنجم افزايش و سپس تا دوره هفدهم كاهش مي‌يابد تا به‌ثبات برسد و بعد از آن مجدداً به‌صورت منفي بر اشتغال اثر مي‌گذارد.

علاوه بر اين اثر تكانه وارده بر اشتغال از سوي متغير تعداد نيروي كار تا چهار دوره اول ناچيز و بعد از آن با نرخ فزاينده‌اي افزايش پيدا مي‌كند كه دلالت بر بي‌ثباتي سيستم دارد. اثر تكانه وارده برروي اشتغال از سوي دستمزد دلالت بر افزايش بودن اين اثر تا دوره ششم داشته و پس از آن تا دوره نهم كاهش يافته و به‌ثبات رسيده، سپس در جهت مخالف كاهش و پس مجدداً افزايش مي‌يابد. به‌طوري‌كه حركت سينوسي شكل را دنبال مي‌كند ولي در كل، حالت با ثباتي را طي مي‌كند.

جدول ٤- نتایج حاصل از تخمین کوتاه‌مدت وبلندمدت

Vector Error Correction Estimates
Date: 04/10/05 Time: 13:47
Sample(adjusted): 1358:4 1379:4
Included observations: 85 after adjusting endpoints
Standard errors in ( ) & t-statistics in [ ]

Cointegrating Eq:	CointEq1	Error Correction:	D(LNEMP)
LNEMP(-1)	1.000000	LNMR	-0.002042
			(0.00063)
LNLF(-1)	-2.548516		[-3.25292]
	(0.33924)		
	[-7.51233]		
LNAW(-1)	0.370314	LNTX	0.000487
	(0.06853)		(0.00015)
	[5.40372]		[3.30187]
C	24.45921		
Error Correction:	D(LNEMP)		
CointEq1	-0.003702	LNROEXP	0.000670
	(0.00143)		(0.00018)
	[-2.59709]		[3.67893]
D(LNEMP(-1))	1.408187		
	(0.06192)		
	[22.7403]		
D(LNEMP(-2))	-0.733902	D57	-8.73E-05
	(0.05211)		(0.00034)
	[-14.0834]		[-0.26032]
D(LNLF(-1))	-0.177790	D68	0.000747
	(0.23487)		(0.00019)
	[-0.75696]		[4.03033]
D(LNLF(-2))	0.324742	D77	-6.07E-05
	(0.25209)		(0.00018)
	[1.28820]		[-0.32831]
D(LNAW(-1))	0.043246	R-squared	0.988348
	(0.01164)	Adj. R-squared	0.986017
	[3.71670]	Sum sq. resids	5.87E-06
		S.E. equation	0.000290
D(LNAW(-2))	-0.037257	F-statistic	424.0936
	(0.01150)	Log likelihood	580.1438
	[-3.23901]	Akaike AIC	-13.29750
		Schwarz SC	-12.86644
C	0.012147	Mean dependent	0.006466
	(0.00355)	S.D. dependent	0.002449
	[3.42489]	Determinant Residual Covariance	1.21E-22
		Log Likelihood	1807.697
LNK	-0.001095	Log Likelihood (d.f. adjusted)	1782.942
	(0.00040)	Akaike Information Criteria	-39.44279
	[-2.74903]	Schwarz Criteria	

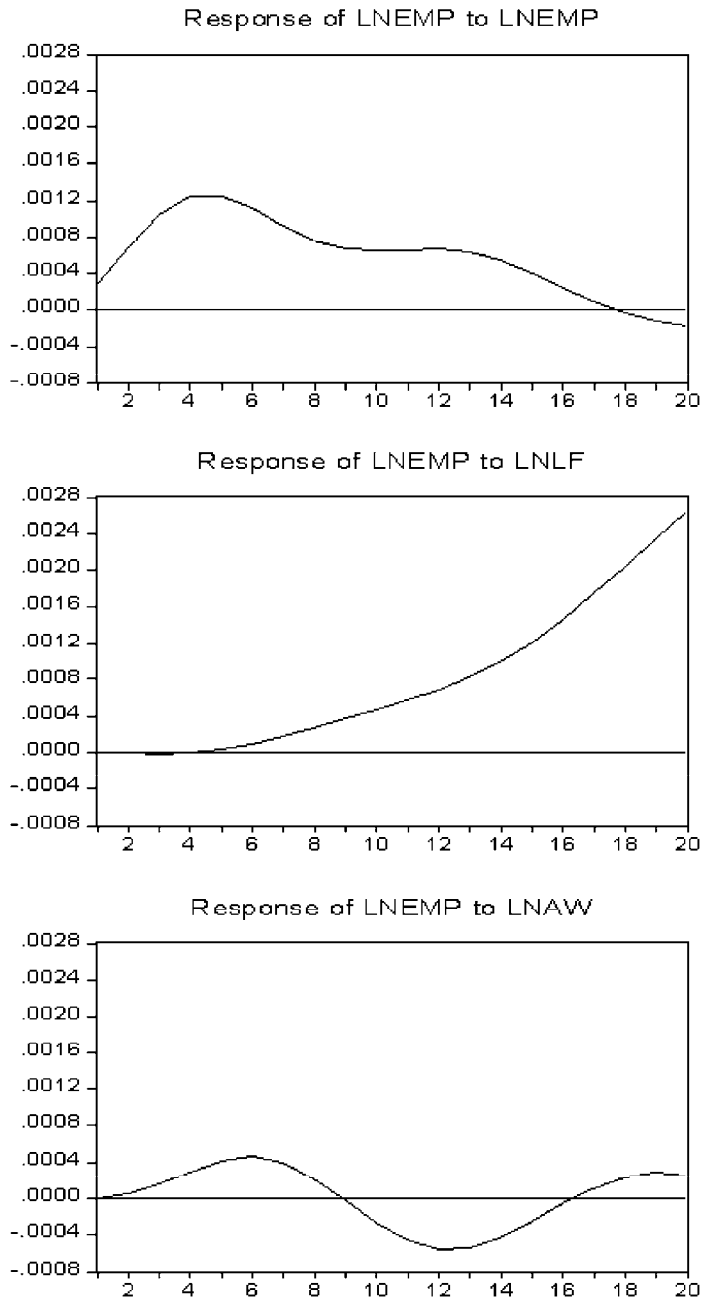

نمودار۱- نمودار تابع عکس‌العمل لحظه‌اي

جدول ۵- عکس‌العمل لحظه‌اي نسبت به‌تکانه‌هاي وارد از طرف متغيرهاي درونزا

Response of LNEMP:			
Period	LNEMP	LNLF	LNAW
1	0.000290	0.000000	0.000000
2	0.000732	-2.39E-06	3.33E-05
3	0.001163	2.81E-06	0.000108
4	0.001452	2.71E-05	0.000206
5	0.001534	7.54E-05	0.000289
6	0.001419	0.000143	0.000319
7	0.001169	0.000221	0.000273
8	0.000867	0.000296	0.000155
9	0.000584	0.000365	-1.06E-05
10	0.000363	0.000431	-0.000182
11	0.000215	0.000506	-0.000318
12	0.000126	0.000605	-0.000388
13	6.99E-05	0.000742	-0.000380
14	2.25E-05	0.000926	-0.000302
15	-3.26E-05	0.001157	-0.000178
16	-0.000102	0.001427	-4.02E-05
17	-0.000188	0.001720	8.16E-05
18	-0.000289	0.002021	0.000164
19	-0.000407	0.002316	0.000196
20	-0.000548	0.002596	0.000177

٤-٦- *تجزيه واريانس*

با استفاده از تجزيه واريانس (VDCs) سهم تكانه‌هاي وارد شده بر متغيرهاي مختلف الگو، در واريانس خطاي پيش‌بيني يك متغير در كوتاه‌مدت و بلندمدت مشخص مي‌شود. به‌طور مثال اگر متغيري مبتني بر مقادير با وقفه خود به‌طور بهينه قابل پيش‌بيني باشد، آنگاه واريانس خطاي پيش‌بيني تنها براساس تكانه‌هاي وارد بر آن متغير شرح داده مي‌شود. با تجزيه واريانس خطاي پيش‌بيني سهم نوسانات هر متغير در واكنش به‌تكانه وارد شده به‌متغيرهاي الگو تقسيم مي‌شوند. به‌اين ترتيب قادر خواهيم بود سهم هر متغير را بر روي تغييرات متغيرهاي ديگر در طول زمان اندازه‌گيري كنيم. جدول شماره ٦ به‌تفكيك

واريانس خطاي پيش‌بيني متغير اشتغال را براي ۲۰ دوره (فصل) نشان مـي‌دهـد. به‌اين معني كه در طول اين ۲۰ فصل سهم هر يك از متغيرهاي اشـتغال، نيـروي كار و دستمزد در تغييرات اشتغال در كوتاه‌مدت (فصل اول) ميان‌مدت (فصل دوم تا پنجم) و بلندمدت (از فصل پنجم به‌بعد) چيست. نتايج تجزيه واريانس دلالت بر آن دارد كه در كوتاه‌مدت مهم‌ترين عامل اثرگذار بر نوسانات اشتغال، خود متغيـر اشتغال است. در ميان‌مدت اگرچـه سـهم متغيـر تعـداد نيـروي كـار در نوسـانات اشتغال افزايش مي‌يابد، لـيكن همچنـان سـهم متغيـر دسـتمزد نـاچيز اسـت. در بلندمدت حداكثر ٦ درصد نوسانات اشتغال را مي‌توان بـه‌متغيـر دسـتمزد نـسبت داد، در بلندمدت به‌تدريج سهم اشتغال در نوسانات اشتغال كاهش مي‌يابد (حدود ۳۰ درصد) و سهم متغير نيروي كار به‌حدود ٦٦ درصد افزايش پيدا مي‌كند.

جدول ٦- تجزیه واریانس اشتغال

Period	S.E.	LNEMP	LNLF	LNAW
1	0.000290	100.0000	0.000000	0.000000
2	0.000788	99.82081	0.000923	0.178265
3	0.001409	99.35156	0.000686	0.647758
4	0.002034	98.64455	0.018096	1.337353
5	0.002565	97.79359	0.097780	2.108629
6	0.002952	96.93362	0.309756	2.756625
7	0.003194	96.17347	0.741438	3.085090
8	0.003327	95.46226	1.476993	3.060742
9	0.003397	94.49105	2.573121	2.935831
10	0.003449	92.80958	4.062025	3.128400
11	0.003507	90.13995	6.009895	3.850157
12	0.003582	86.52485	8.609184	4.865963
13	0.003678	82.08643	12.23080	5.682768
14	0.003805	76.70739	17.35152	5.941083
15	0.003981	70.07479	24.29759	5.627628
16	0.004230	62.11744	32.88964	4.992924
17	0.004571	53.36760	42.32448	4.307913
18	0.005009	44.77625	51.52885	3.694895
19	0.005537	37.18371	59.66756	3.148728
20	0.006143	31.01052	66.34808	2.641395

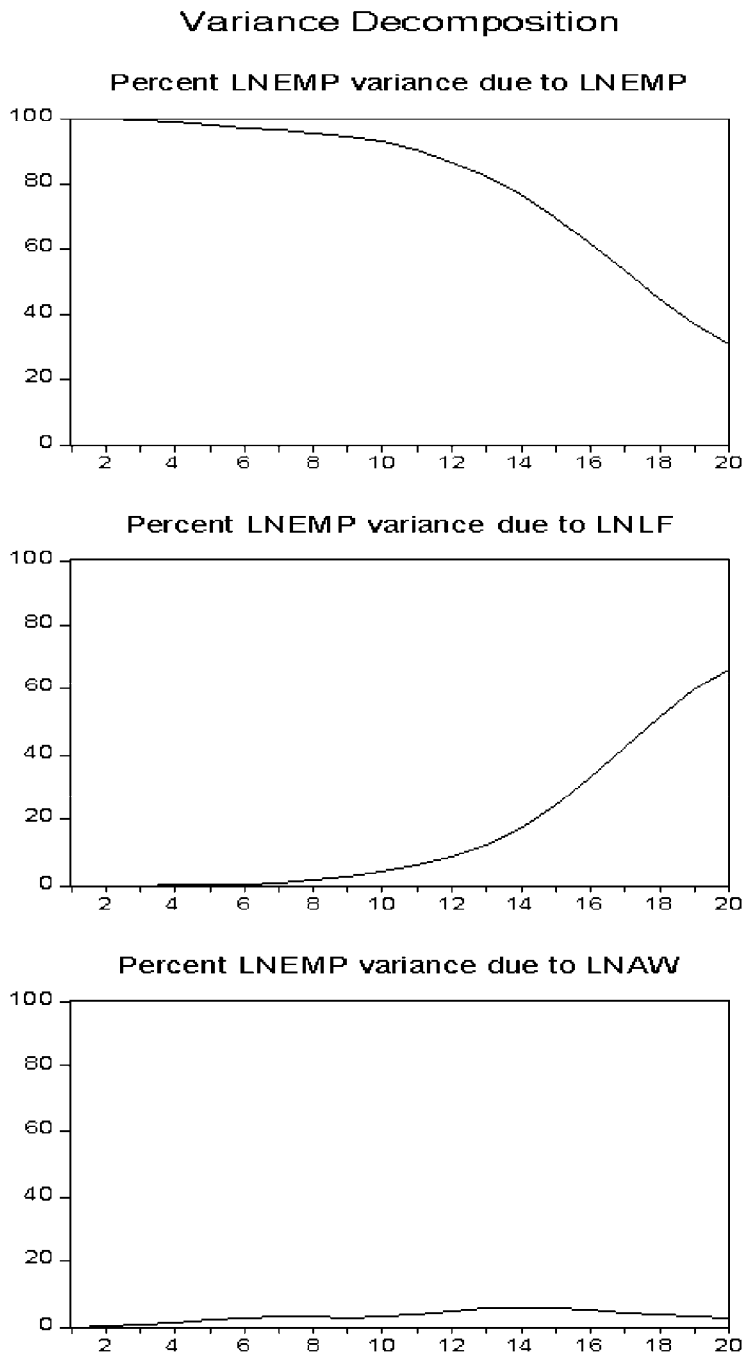

نمودار ۲- نمودار تجزیه واریانس

۷- نتایج

الگوي اقتصاد بـازار سـهم مهمـي در جهـت‌گيـري‌هـاي برنامـه‌هـاي عمرانـي كشورهاي جهان سومي، مخصوصاً در دهه ۱۹۸۰ داشته است و خاستگاه تئوريكي سياست‌هاي تحت عنوان اصلاح ساختار اقتصادي كه از سوي صندوق بـين‌المللـي پول و بانك جهاني توصيه مي‌شد، بوده است.

در اين مقاله تلاش شد تا سياست‌هـاي پيـشنهادي مـورد تأكيـد ايـن مكتـب فكري در زمينه بيكاري شناخته شود زيرا بـين تأكيـدات نگـرش اقتـصاد بـازار و سياست‌هاي مورد نظر برنامه‌هاي اول، دوم، سوم و چهارم توسعه اقتصاد ايران، هم سويي مشاهده مي‌شود.

سعي محقق در اين تحقيق بر اين است تا اين موضـوع را مـورد بررسـي قـرار دهد كه آيا اهداف و سياست‌هاي اعمال شده تحـت عنـوان اصـلاحات سـاختاري اقتصاد ايران، بر مبناي انديشه اقتصاد بازار بوده است يا خير و اگر بوده اسـت آيـا در بازار كار ايران موفقيتي را به‌همراه داشته است يا خير؟

نتيجه‌اي كه از بررسي تطبيقي انديشه اقتصاد بازار بـا اهـداف و سياسـت‌هـاي پيش‌بيني شده در برنامه‌هاي توسعه ايران و بويژه برنامه سوم به‌دست آمد اين بود كه اهداف و ايده كلي حاكم بر بازار كار ايران، بر مبناي اقتصاد بازار طراحي شـده، اما سياست‌هاي اعمال شده در قالب مواد قانوني و تبصره‌هاي مربوط به‌اشـتغال در برنامه‌هاي توسعه ايران به‌نقش و دخالت دولت براي ايجاد اشتغال تأكيد دارد كـه اين امر، به‌عدم‌تعادل بازار كار منجر مي‌شود(مواد قـانوني ٤٨ تـا ٥٦ برنامـه سـوم توسعه).

از طرف ديگر كاركرد تجربي مدل نئوكلاسيك كه از مدل‌هاي اساسـي اقتـصاد بازار است و شامل فرم خلاصه شده يك سيستم معادلات هم‌زمان در قالب الگـوي خود توضيح برداري VAR نامقيد است، نشان داد كه:

۱- ضريب تصحيح خطاي برآوردي مدل، در عـين معنـي‌دار بـودن دلالـت بـر سرعت بسيار پايين تعادل كوتاه‌مدت به‌تعادل بلندمدت دارد، به‌طـوري‌كـه در هـر دوره تنها حدود ۰/۳۷ درصد از خطاي عدم‌تعادل دوره قبـل تـصحيح مـي‌شـود و

بازگشت به‌ثبات بازار کار را با مشکل مواجه مي‌سازد.

۲- اثرگذاري شاخص سياست‌هاي مالي و پـولي در عـين معنـي‌دار بـودن، بـر نوسانات اشتغال ناچيز است و اين از دو جهت قابـل بررسـي اسـت اول آن‌کـه بـا توجه به‌ساختار اقتصاد ايران که درصد قابل توجهي از ماليات بر حقوق و دستمزد توسط شاغلين بخش دولتي پرداخت مي‌شود و کارکنان بخش دولتي به‌دليل نـرخ بيکاري بالا در جامعه، زياد نسبت به‌تغييرات ماليات عکـس‌العمـل از خـود نـشان نمي‌دهند، اما مع‌الوصف تغيير قوانين مالياتي اثـر معنـي‌دار خـود را روي توليـد و اشتغال بر جاي گذاشته است. دوم اين‌که با نگاهي به‌واقعيت‌هاي حـاکم بـر بـازار پولي کشور، مي‌توان چنين گفت که با توجـه بـه‌جـذابيت فعاليـت‌هـاي دلالـي و سوداگري در مسير غيرتوليدي، تغييرات حجم پول در توليد و اشتغال نقش جدي و مؤثري ندارد ولي در عين حال معني‌دار است.

۳- با نگاهي به‌روند داده‌هاي موجودي سرمايه و نتايج حاصل از تخمين مـدل، متغير موجودي سرمايه بخش خصوصي از نظر آماري معني‌دار و داراي اثـر منفـي بر نوسانات اشتغال است و مي‌توان گفت که در صورت افزايش موجـودي سـرمايه بخش خصوصي و حمايت لازم از حقوق مالکيت بخش خصوصي از طريق تـصريح بودن حقوق مالکيت و خوب اجرا شدن آن، منجر به‌ايجاد اشتغال پايـدار گـشته و حرکت به‌سمت تعادل بازار کار را تضمين خواهد کرد.

٤- متغير مجازي مربوط به‌برنامه تعديل سـال ٦٨ داراي اثـر مثبـت و معـادل ۰/۰۰۰۷٤ است اين نتيجه دلالت بر اين واقعيت دارد که اجراي برنامه‌هاي تعديل در اين دوره داراي اثر مثبتي بر سطح اشتغال بوده است.

٥- براساس توابع عکس‌العمل آني (IRFs) مي‌توان نتيجه گرفت که يك شـوك ناگهاني يا تکان‌هاي به‌اندازه يك انحراف معيار در متغيرهاي اشتغال، تعداد نيروي کار و دستمزد تأثير ناچيزي بـر اشـتغال خواهـد گذاشـت. ايـن نتيجـه بـا توجـه به‌ساختار اقتصاد ايران که ويژگي عمده آن نبـود اقتـصاد بـازار و سيـستم رقـابتي است چندان دور از انتظار نيست.

٦- نتايج تجزيه واريانس(VDCs) دلالت بـر ايـن امـر دارد کـه در کوتـاه‌مـدت

مهم‌ترین عامل اثرگذار بر نوسانات اشتغال، خود متغیر اشتغال است. به‌عبارت دیگر روند گذشته و تغییرات و تحولات بازار کار به‌وسیله خود اشتغال توضیح داده می‌شود و متغیرهاي دیگر مانند دستمزد و تعداد نیروي کار بر نوسانات اشتغال در کوتاه‌مدت چندان اثرگذار نبوده‌اند. در این زمینه به‌نظر می‌رسد برخي متغیرها و عوامل همانند عوامل نهادي و قانوني و... بر نوسانات اشتغال اثرگذار می‌باشند. در طول دوره میان‌مدت اگر چه سهم متغیر تعداد نیروي کار در نوسانات اشتغال افزایش پیدا می‌کند اما همچنان سهم متغیر دستمزد ناچیز است. در بلندمدت حداکثر ٦ درصد نوسانات اشتغال را می‌توان به‌متغیر دستمزد نسبت داد، در بلندمدت بتدریج سهم اشتغال در نوسانات اشتغال کاهش می‌یابد (حدود ۳۰ درصد) و سهم متغیر نیروي کار به‌حدود ٦٦ درصد افزایش پیدا می‌کند.

با توجه به‌نتایج حاصل از مقایسه تطبیقي مواد قانوني مربوط به‌اشتغال در برنامه‌ها و بویژه برنامه سوم توسعه و همچنین استفاده از الگوي تجربي Var نامقید، می‌توان گفت که با توجه به‌اجراي برنامه‌هاي اصلاح ساختار اقتصاد از سال ۱۳۶۸ به‌بعد و گام برداشتن دولت در جهت آزادسازي اقتصاد می‌توان گفت که این تفکر در اندیشه و مباني سیاست‌هاي اقتصادي ایران و منجمله بازار کار رسوخ نموده، اما در مرحله عمل ابتر مانده است و شاید بتوان گفت که تفکر اصلاح ساختار اقتصادي بر مبناي حرکت به‌سمت اقتصاد بازار، به‌علت فقدان نهادهاي لازم و کارامد بازار کار، از کارایي لازم براي حل معضل بیکاري ایران، برخوردار نبوده است.

فهرست منابع

۱- اچ میتوز، جان، ترجمه دکتر فائزه توتونیان، (۱۳۷۰)، *روش‌هاي محاسبات عددي براي رشته‌هاي کامپیوتر و مهندسي*، مشهد، انتشارات خراسان.

۲- اچ. پرس، ویلیام، ترجمه دکتر منصور نیکخواه بهرامي،(۱۳۷۵)، *دستورالعمل‌هاي محاسبات عددي*، مؤسسه چاپ و انتشارات، دانشگاه تهران.

۳- سازمان برنامه وبودجه، «قانون برنامه اول توسعه اقتصادي, اجتماعي و فرهنگي جمهوري اسلامي ایران (۷۲-۱۳٦۸)».

٤- سازمان برنامه و بودجه (١٣٦٩)، *برنامه تعديل اقتصادي براساس تجديدنظر در نرخ ارز و جبران‌هاي اقتصادي آن*.
٥- سازمان برنامه و بودجه، *مستندات برنامه دوم توسعه اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي جمهوري اسلامي ايران (٧٨-١٣٧٤)*، جلد سوم.
٦- سازمان برنامه و بودجه، *برنامه كلان پنج‌ساله دوم توسعه اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي جمهوري اسلامي ايران (٧٧-١٣٧٣)*، پيشنهادي سازمان برنامه و بودجه.
٧- سازمان برنامه و بودجه، *لايحه برنامه اول توسعه اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي ايران (٧٢-١٣٦٨)*، پيوست شماره ١ فصول ١ و ٧.
٨- سازمان برنامه و بودجه، (١٣٧٨)، *سند برنامه سوم توسعه*، جلد اول.
٩- سازمان برنامه و بودجه،(١٣٧٨)، *سند برنامه سوم*، جلد دوم.
١٠-كينز، جان- مينيارد، *نظريه عمومي اشتغال، بهره و پول*، ترجمه منوچهر فرهنگ(١٣٤٨)، چاپ اول، دانشگاه تهران.
١١-گرجي، ابراهيم، (١٣٧٢)، *ارزيابي مهم‌ترين مكاتب اقتصاد كلان*، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌هاي بازرگاني.
١٢-*قانون برنامه چهارم توسعه*، (١٣٨٣)، معاونت پژوهش، تدوين و تنقيح قوانين و مقررات رياست جمهوري.
١٣-متوسلي ، محمود (١٣٨٢)، *توسعه اقتصادي* - انتشارات سمت تهران.
١٤-منكيو گريگوري. ن، مترجم حميدرضا برادران شركاء و علي پارساييان، (١٣٧٤)، *اقتصاد كلان*، جلد١، انتشارات دانشگاه علامه طباطبايي، تهران.
١٥-هانسرمن، دوان و ليتل فيلد، بروس، ترجمه اميرهوشنگ غيوري، (١٣٨١)، *راهنماي جامع MATLAB6*، انتشارات شايگان، تهران.

16- Ball, N.G.Mankiw, and D.Romer, (1988), "*The New Keynesian Economic & Output Inflation Trade-OFF"*; Brooking Papers on Economics Activity, vol.1.
17- Gianni Amisano e Massimiliani Serati (1999), "Unemployment Persistence in Italy. An Econometric Analysis With Multivariate Time Varying Parrameter Models", Ricerche Quantitative Perla Politica Economica 1999.
18- Nikell, Stephen(1998), *"Unemployment: Questions and Some Answers"*, The Economic Journal 108(may), 802, 816.
19- Snow don, Brian, & Etal. (1994), "*A Modern Guide to Macroeconomic"*; Published by Edward Elagar Publishing Limited.